سخنراني در ديدار گروه كثيري از آزادگان، در اولين سالگرد آزادي و بازگشت به كشور - 28 /مرداد/ 1370

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحيم

به همه‌ی شما برادران بسيار عزيز حاضر در اين جلسه، كه افتخار گذراندن يك دوره‌ی دشوار امتحان را كسب كرديد، خوش‌آمد عرض می‌كنم و اخلاص و ارادت قلبی خودم را به يكايك شما عزيزان ابراز می‌كنم و فرصت را نيز مغتنم می‌شمارم و از همين‌جا به آحاد آزادگان سراسر كشور - اين قهرمانان زنده‌ی انقلاب و نظام اسلامی - ارادت و اخلاص خودم را ابراز می‌دارم و به خانواده‌های آنها، كه سختی اين دوران مشقتبار را با صبر و توكل تحمل كردند، سلام می‌فرستم. همچنين به يكايك بسيجيان اين كشور و آحاد مخلص و مبارز امت حزب‌الله، كه شوق اول و هدف والای آنها، حفظ نظام اسلامی و جلب رضايت الهی است، عرض سلام می‌كنم.

يك سال از آن روزها گذشت ؛ روزهايی كه ملت ما چهره‌های رنجديده و تن‌های زجركشيده‌ی شما را پس از سالها مفارقت در آغوش گرفت و شما سربازان پيشرو و پيشقراول ملت ايران، مجدداً به امواج متلاطم اين اقيانوس عظيم پيوستيد و به قلب اردوگاه اسلام بازگشتيد. روز شادمانی مردم ما و روز عيدی ولیّ‌عصر (ارواحنافداه) به ملت ايران و روز نشان دادن قدرت خدا به ديرباوران، روزی بود كه شما به آغوش ملت و ميهن برگشتيد. اين روز را ما بايد هميشه گرامی بداريم و آن را تجديد خاطره كنيم و از آن درس بگيريم.

چه بسيار هدفهای دور از دسترس، كه انسان فكر می‌كند دسترسی به آنها بسيار مشكل است ؛ اما با توكل و صبر و مقاومت، به آن هدفها دست می‌يابد ؛ مثل آزادی شما كه از جمله‌ی همين چيزها بود. البته هنوز شادی ما كامل نيست و هنوز زخم دل ما به‌طور كامل التيام نيافته است ؛ زيرا هنوز بخشی از پيكر اين ملت در اسارت است. هنوز همه‌ی پاره‌های تن اين ملت برنگشته‌اند و دقيقاً نمی‌دانيم كه چه تعدادی در آن‌جا هستند ؛ اما يقيناً تعدادی از عزيزان ما هنوز در همان شرايط سخت و شايد هم سخت‌تر - به خاطر توحش دشمن و خشم او از ملت ايران - قرار دارند، كه ما وظيفه داريم موضوع را دنبال كنيم و هرگز از ياد نبريم. برای برگرداندن اين دسته از عزيزان، هر كاری بتوانيم انجام دهيم، وظيفه‌ی شرعی و انسانی ماست و بايد بكنيم و مسؤولان موظفند كه همه‌ی تلاش خود را به كار بگيرند، شايد ان‌شاءالله ما چهره‌های مظلوم ديگری را كه هنوز در بندند، به آغوش ملت برگردانيم.

يك سال گذشت. اين يك سال، برای يكايك من و شما يك درس بود و هست. شما ببينيد از سال گذشته، همين روزها كه شما بتدريج وارد كشور می‌شديد، اوضاع منطقه چه تحولات و چه تلاطمهايی را به خود ديد ؛ چه آتش افروخته‌يی در منطقه‌ی خليج فارس به وجود آمد ؛ چه انسانهای مظلومی از آحاد ملت عراق، يا به وسيله‌ی متجاوزان غربی و امريكايی و غيره، يا به وسيله‌ی خون‌آشامان بعثی، در زير باران آتش و گلوله از بين رفتند و يا عزيزانشان را از دست دادند ؛ رژيم متجاوز و متجاسر و مستكبر امريكا در اين يك سال چه كرد ؛ رژيم سبكسر و ابله و جاه‌طلب عراق در اين يك سال چه كرد ؛ مردم عراق و آوارگان چه كشيدند، ما چه كشيديم، منطقه چه سختيهايی را تحمل كرد.

جنجالی كردند، قدرت‌طلبی‌يی بخرج دادند و بعد در مقابل هجوم نيروهای اردوگاه استكبار، مثل موشی به سوراخ خزيدند و برای حفظ جان و موقعيت و سلطنت خودشان، تسليم زورگوييهای امريكا شدند و عوضش را سر ملت خود درآوردند! هم ملت عراق ضرر كرد، هم منطقه ضرر كرد، هم عراق ويرانه شد، هم كشورهای اسلامی در مقابل يكديگر قرار گرفتند، و بدتر و خطرناكتر از همه‌ی اينها، امريكا در منطقه احساس قدرت كرد و پايش را وسط گذاشت و شروع

به عربده‌کشی و مبارزطلبی کرد. این خسارات ناشی از چیست؟ ناشی از بی‌ایمانی و بی‌دینی و هوی‌پرستی و خودپرستی جمعی است که سرنوشت یك ملت به دست آنهاست.

ببینید انسانیت چه‌قدر برای اسلام قیمت دارد. ببینید اگر یك جو ایمان به خدا و کار برای خدا در دل آن سردمداران بی‌انسانیت و بی‌ایمان بعثی بود، وضع چه‌طور غیر از این می‌شد که شد. ببینید خسارت بی‌ایمانی و خودخواهی برای بشریت چه‌قدر است.

عزیزان! این، یك درس است. من و شما دایماً در معرض همین خودخواهی هستیم. شیطانی که در درون ماست، دایماً ما را امر به بدی و دشمنی و خودخواهی و فساد می‌کند. اگر انسانی نتواند آن شیطان درونی را سرکوب کند، ضایعه‌اش فقط به خود او برنمی‌گردد ؛ ممکن است به یك خانواده، به مردم یك شهر، به یك ملت، یا به یك منطقه برگردد ؛ همچنان که در مورد این حوادث اخیر دیدید که برگشت. یك رژیم خودخواه بیگانه‌ی از مفاهیم الهی و انسانی، برای جاه‌طلبی کاری می‌کند که کفاره‌اش را نه فقط ملت عراق، بلکه باید ملتهای منطقه پس بدهند.

درس دوم در این حادثه این است که ملت ما بفهمد و یکایك جوانان ما و نفوس بیدار و وجدانهای زنده‌ی شما درست توجه کند که چگونه توطئه‌هایی علیه امت اسلام هست. ببینید امروز درباره‌ی فلسطین چه می‌کنند و چه خوابی برای این ملت، و در حقیقت برای منطقه دیده‌اند. این هم تا حدود زیادی ناشی از همان حوادث یك سال اخیر است.

امریکا همین که توانست در این منطقه با تانك و توپ و ناو جنگی و بمباران و این‌گونه وسایل، یك قدرت عربده‌جویانه برای خود دست‌وپا کند، فوراً سراغ قضیه‌ی اصلی منطقه - یعنی قضیه‌ی فلسطین - رفت و به طمع افتاد و چنین تصور کرد که چون دولتهای ضعیف‌النفس منطقه، خودشان را مدیون و زیر بار منت او می‌دانند - زیرا خطر رژیم عراق را از آنها دفع کرده است - وقت آن است که در این میان استفاده کند و آرزوی همیشگی استکبار در این سالهای اخیر را تحقق ببخشد. آن آرزو چیست؟ آن آرزو این است که آرمان فلسطین را پیش پای صهیونیستهای غدار قربانی کند و سر ببُرد. این کار را می‌خواهد بکند و دارد می‌کند ؛ که امیدواریم با غیرت امت اسلام و جوانان مسلمان فلسطین، به این خیانت بزرگ موفق نشود.

ببینید چه‌طور استکبار با چنگ و دندان و با حالت خونخوارانه و بدون اندکی انسانیت و رحم ایستاده است، تا اگر بتواند، برای خواستهای استکباری خود، ملتهای اسلامی و آرزوهای آنها را لگدمال کند. امروز این قضیه‌ی فلسطین، یکی از بزرگترین مسائل و مصایب دنیای اسلام است و در آینده نیز خواهد بود. مگر شوخی است که ملتی را از خانه و زندگی و کشور و سرزمین خود آواره کنند، غاصب مزدور خبیثی را آن‌جا بنشانند، همه‌گونه به او کمك کنند، همه‌ی جنایات او را صحه بگذارند، دستشان تا مرفق در خون مردم منطقه فرو برود، به اینها هم قانع نباشند، بخواهند از مسلمانان و از صاحبان خانه امضاء بگیرند که این خانه متعلق به آن غاصب است و صاحب‌خانه در آن حقی ندارد؟! می‌خواهند این کار را بکنند.

آیا جوانان غیور فلسطینی مرده‌اند؟ آیا جوانان کشورهای اسلامی همجوار فلسطین و دیگر کشورهای اسلامی مرده‌اند که دشمنان بخواهند بزرگترین مسائل جهان اسلام را این‌طور راحت به سود خودشان و به زیان امت اسلامی حل کنند؟ این چه سکوتی است که امروز در دنیای اسلام هست؟ تا چند سال قبل از این، مگر کسی در دنیای اسلام جرأت می‌کرد سخن از گفتگو با دولت غاصب اسرائیل بر زبان بیاورد؟ یك نفر خائن - آن طاغوت مصری (1) - جرأت کرد و اقدام نمود و بعد از اندکی سزای عمل خودش را هم دید.

امروز قضیه را به‌صورت یك قضیه‌ی ساده مطرح می‌کنند. آن طرف قضیه امریکاست که می‌گوید بیایید با صهیونیستها، با این دزدها، با این قاتلها، با این کسانی‌که چهل سال است ملت فلسطین را شکنجه می‌دهند و نسبت به همه‌ی دنیای اسلام سمپاشی و خیانت می‌کنند و از پشت خنجر می‌زنند و همه یا بیشتر مشکلات دنیای اسلام ناشی از اینهاست، بنشینید مذاکره کنید و امضاء نمایید که بیت‌المقدس و سرزمین فلسطین و جولان متعلق به صهیونیستها باشد!

امریکا در این قضیه چکاره است؟ دولت امریکا به چه مناسبت به خود حق می‌دهد در قضیه‌یی که متعلق به این ملت و این منطقه است، به صورت یك متولی، یك صاحب اختیار و یك قلدر وارد بشود و به این و آن دیکته بکند که چه کار باید بکنید؟! به شما چه؟ شما در قاره‌ی امریکا دست‌اندازی و تجاوز کردید، بی‌اجازه وارد شدید و آدم کشتید ؛ آیا بَستان نیست؟! در این منطقه‌ی خاورمیانه، دل یکایك آحاد مردم هوشیار و آگاه این ملتها، پُر از بغض و عداوت نسبت به شماست ؛ باز نزدیك بیایید و به گمان خودتان بخواهید مسأله‌ی فلسطین را حل کنید! آیا راه‌حل این است؟! حل مسأله‌ی فلسطین به این است که دولت غاصب متلاشی بشود و از بین برود ؛ صاحبان سرزمین بیایند و در آن‌جا حکومت تشکیل بدهند ؛ و مسلمان و مسیحی و یهودی و هرچه هستند، با هم زندگی کنند.

شما جوانان بدانید که این گرفتاری دنیای اسلام است. کسی فکر نکند که از دنیای اسلام، تهدید و خطر برطرف شده است. درست است که ما در این دوازده سال پیش رفتیم، مناطقی را در صحنه‌ی سیاسی تصرف کردیم، کارهای زیادی به برکت رهبریهای امام بزرگوارمان و پایمردی این ملت انجام شد و ما امروز در دنیا نسبت به سالهای قبل، قویتر، قدرتمندتر و آبرومندتریم و ملتهای عالم، قدرت و عظمت این ملت را فهمیده‌اند و آن را تأیید کرده‌اند و ما دشمن را به میزان زیادی مأیوس کرده‌ایم ؛ اما تهدیدها تمام نشده است.

یك عده خیال نکنند که امروز مسأله‌ی کشور ما، مسأله‌ی کم و زیاد فلان جنس، یا فلان امکان است ؛ مسأله، مسأله‌ی تهدید اصل انقلاب و اصل نظام اسلامی و اصل اسلام است. امروز مسأله این است که فقط این ملت در مقابل خودکامگی و افزون‌طلبی امریکا ایستاده است ؛ این ملت است که حرف می‌زند و نسبت به سیاستهای دشمنان پُررو و مستکبر افشاگری می‌کند. بنابراین، با این ملت دشمنند.

ما نمی‌توانیم چشممان را ببندیم و نسبت به مصیبتهای دنیای اسلام و تجاوز دشمنان اسلام، ساکت بنشینیم. این ملت سرباز اسلام است. این ملت برای اسلام قیام کرد و دشمنان اسلام را از این مملکت بیرون کرد و پای امریکا را قطع نمود. ما که از اسلام روبرنگردانده‌ایم ؛ اسلام وجود ما و همه چیز ماست. دشمن از این مسأله عصبانی است و علیه ما تهدید می‌کند.

الان شما ببینید، کوچکترین مسأله‌یی که با دستاویز کردن آن بشود علیه جمهوری اسلامی و ملت ایران و دولت خدمتگزار ما جنجالی در دنیا راه انداخت، استکبار به وسیله‌ی ایادی تبلیغاتی خود، آن دستاویز را می‌گیرد و می‌چسبد و جنجال به راه می‌اندازد. سعی آنها این است که این ملت را متفرق و متشتت کنند و این وحدت را از بین ببرند. سعی آنها این است که این ملت را از آرمانخواهی نسبت به اسلام و ارزشهای اسلامی دچار فراموشی کرده، سرگرم مسائل روزمره‌ی زندگی کنند. سعی آنها این است که این پشتوانه‌ی باعظمت را از اسلام و ملتهای مسلمان منطقه بگیرند و این توده‌ی مقاوم را متلاشی کنند. دوازده سال است که امریکا و استکبار از این ملت خون دل می‌خورد و می‌خواهد انتقام بگیرد ؛ هوشیار باشید.

نظر ما نسبت به مسائل فلسطین روشن و واضح است. ما راه‌حل فلسطین را نابودی رژیم اسرائیل می‌دانیم. نگویند

نمی‌شود ؛ نمی‌شود در دنیا نیست. همه چیز شدنی است. همه‌ی کوههای عظیمی که مانع راه حرکت انسانها باشد، برداشتنی است. چهل سال گذشته است ؛ اگر چهل سال دیگر هم بگذرد، عاقبت دولت اسرائیل نابودشدنی است و باید نابود بشود. تا چند صباح قبل از این، هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که ابرقدرت شرق این‌گونه متلاشی بشود. اگر دو سال قبل کسی می‌گفت که ابرقدرت شرق از بین خواهد رفت، عده‌یی فیلسوفانه ریش می‌جنباندند که بله، شما ساده هستید! آن روزی که امام در نامه به گورباچف نوشتند که بعد از این مارکسیسم را باید در موزه‌ها پیدا کرد، عده‌یی پوزخند زدند! دو سال یا سه سال نگذشته بود که آن پیشگویی تحقق پیدا کرد. بعد از درگذشت امام، به یك سال نرسید که همه چیز دگرگون شد ؛ چه‌طور نمی‌شود؟

قدرت استکباری امریکا هم از بین خواهد رفت، او هم متلاشی خواهد شد، این قدرت جهنمی ماندنی نیست، اسرائیل هم ماندنی نیست. این، حرف دولت و ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی است، و همین خواهد شد. این، در سایه‌ی هوشیاری شما ملت و هوشیاری ملتهای مسلمان عملی خواهد شد. ما باید تلاش کنیم. وظیفه‌ی ما تلاش کردن است.

شما آزادگان، بخصوص با این تجربه‌ی سنگینی که از سر گذرانده‌اید و حالا بحمدالله وارد انبوه اجتماع این ملت شده‌اید، باید هرکدام مثل ستاره‌یی بدرخشید و مظهر و سرمشق و نمونه‌ی وفاداری به آرمانهای اسلام و اصرار بر پیمودن راه انقلاب و کانون روشنگری علیه مطامع استکبار باشید.

از خداوند متعال مسألت می‌کنم که ملتهای مسلمان را بیدار کند ؛ به آنها قوّت، شجاعت و قدرت اقدام ببخشد و دولتهای اسلامی و مسؤولان کشورهای اسلامی را با مردمشان نزدیك کند و آنان را از شر بداندیشان و افتادن به دام توطئه‌های دشمن، در امان بدارد.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

---

1) انورسادات